

وقتی «قلعه‌نویی» پشت‌خاک‌ریز بهانه‌ها پنهان می‌شود

توهم توطئه

نازنین دشتی

باز گشت تیم ملی فوتبال ایران از رقابت‌های جام جهانی، همواره با بیم‌ها و امیدها، تحلیل‌ها و نقدهای فراوانی همراه بوده‌است. افکار عمومی و کارشناسان پس از پایان یک تورنمنت بزرگ، انتظار دارند تا شخص‌اول نیمکت تیم ملی، با پذیرش مسئولیت‌ها،به کالبدشکافی دقیق و فنی مسابقات بپردازد.بااین حال، تازه‌ترین اظهارات امیر قلعه‌نویی پس از بازگشت از جام جهانی، نه تنها انسانی از پذیرش مسئولیت نداشت، بلکه یک کلاس درس تمام‌عیار از فراکتی، رور و به جلو تقلیل مسائل کلان فنی به حاشیه‌های بی‌ارزش بود. صحبت‌هایی که بیش از آنکه مردمی بر خیم‌های هواداران باشد،نمک بر جراحت افکار عمومی باشد و موجی از عصبانیت و ناامیدی را در میان فوتبال‌دوستان به هم‌راه آورد.

فرار روبه جلو با چاشنی مظلوم‌نمایی

امیر قلعه‌نویی در بخش عجیبی از صحبت‌هایش، با اعتماد به نفسی مثال‌زدنی اعدامی کند که «فرار روبه جلو نکرده‌ام»، اما وقتی به متن کامل اظهارات او نگاه می‌کنیم، سراسر آن چیزی جز همین تاکتیک نخبانیمست به جای آنکه بشوئیم چرا تیم ملی در لحظات حساس بازی با بلژیک دچار فروپاشی تاکتیکی شد، با سیاهه‌ای از مقصران خیالی و واقعی مواجه می‌شویم. در منطق سرمربی تیم ملی، همه مقصرند جز او و کار فنی‌اش! برای درک بهتر این فراکتی، کافی است به لیست بهانه‌های مطرح‌شده در همین یک مصاحبه نگاه کنیم؛ به‌شور میزبان و فیفا! به دلیل انتخاب کمپ تیکخوانا و برنامه‌ریزی مسابقات، دولت آمریکا! به بهانه تأخیر در صدور ویزا و کار شکنی‌های دیپلماتیک، مسئولان پرواز! به خاطر قطعی برق صندلی‌های هواپیما و استرس بازیکنان!، منتقدان داخلی (همان‌هایی که به زعم او در غار بوده‌اند و حالا می‌گرفون به دست گرفته‌اند) و گشتگان! گشتگان! حمله به سرمربیانی که در جام‌های جهانی قبلی حضور داشته‌اند! این حجم از بهانه‌تراشی برای توجیه ناگامی، نشان‌دهنده عدم بلوغ حرفه‌ای در برخورد با شکست است. وقتی سرمربی تیم ملی قطعی برق صندلی هواپیما را به عنوان یکی از دلایل استرس و ناگامی تیمش مطرح می‌کند، مشخص است که دست‌آزد استدلال‌های فنی تاج‌چه حد خالی است.

آمار سازی های نجومی: توهم؟ عمیلیار دینبند!

یکی از حیرت‌انگیزترین و در عین حال کم‌دی‌ترین بخش‌های این مصاحبه، جایی است که سرمربی تیم ملی برای اثبات محبوبیت تیمش به آمارهایی متوسل می‌شود که حتی با منطق ریاضیات پایه نیز همخوانی ندارد. ادعای اینکه «عمیلیار د نفر اخبار ایران را پیگیری می‌کردند»، توهمین آشکار به شعور مخاطب است. در جهانی که کل جمعیت آن کمی بیش از عمیلیار د نفر است، چگونه ممکن است عمیلیار د نفر پیگیری اخبار تیم ملی ایران باشند؟! این ارقام بی‌مبنا، تنها نشان‌دهنده قطع ارتباط گوینده با واقعیت‌های آماری و رسانه‌ای جهان است. قلعه‌نویی با بیش کشیدن این آمارها استفاده از مغایه‌های چون «مظلومیت ایران»، تلاش می‌کند ناگامی‌های تاکتیکی و فنی تیم ملی را در پشت یک نقاب بزرگ ناسیونالیستی و احساسی پنهان کند. فوتبال، زبان بی‌الملی مستطیل سبز است و مظلومیت یک تیم در زمین بازی، نه با شعار، بلکه با نتایج، نفر، تفرقه، یک بازی در اشتباهات کادر فنی رقم می‌خورد.



سایه سنگین گذشته بر افکار زوئال

بخش دیگری از مصاحبه که به شدت آزاردهنده است، کینه‌توزی و تسویه حساب‌های شخصی با گذشته است. قلعه‌نویی همچنان نتوانسته با کایوس بر کناری‌اش پس از جام ملت‌های ۲۰۰۶ کنار بیاید و سایه سنگین کارلوس کی‌روش (سرمربی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۴) هنوز بر افکار او سنگینی می‌کند. او با تمسخر کسب یک امتیاز در جام جهانی ۲۰۱۴ و مقایسه آن با شرایط فعلی، نشان می‌دهد که به جای تمرکز بر آینده و رفع نقاط ضعف تیم خود، همچنان درگیر رقابت‌های ذهنی و رسانه‌ای با مربیان پیشین است. یک سرمربی حرفه‌ای در سطح جام جهانی، می‌داند که اعتبار او با تخریب گذشته‌گان ساخته نمی‌شود. اینکه انتظار داشته باشید حاکمیت دولت تر بیون را از منتقدان شما بگیرند، تفرقه به شدت دافعه را انگیز و غیرمؤثر در کراتیک است که نشان از تحمل پایین در برابر نقد دارد.

ساعت مچی و لودبه بازی

وقتی نقدها به عملکرد فنی تیم ملی ام می‌گیرد، سرمربی تیم ملی به جای پاسخگویی به سراسر حاشیه‌هایی می‌زود که هیچکس جز خودش برای آن‌ها اهمیتی قائل نیست. پرداختن به ماجرای بسته شدن ساعت مچی به دست راست و اینکه منتقدان باید به «لباس شیک» او توجه می‌کردند، او را نزول سطح بحث در یک مصاحبه ملی است. از سوی دیگر، دفاع چشم‌پسته و اغراق آمیز از کادر فنی و نام بردن از سعید الهویی به عنوان «بلندترین فرد حاضر در ورزش»، نشان‌دهنده حلقه بسته باقران قلعه‌نویی است. وقتی شما منتقدان فنی را به «لودبه‌ازی» متهم می‌کنید و تنها دایره کوچک دستیاران خود را اعلام به علم فوتبال می‌نابید، نتیجه‌اش همین انزوا ی تاکتیکی می‌شود که در مسابقات شاهد آن بودیم. اگر این کادر، با سوادترین کادر ورزش ایران بود، چرا در لحظات بحرانی بازی‌ها هیچ پلن ثانویه‌ای برای نجات تیم دیده‌نشد؟

فوتبال قربانی همیشه منی‌هاست

صحبت‌های اخیر امیر قلعه‌نویی، فراتر از یک مصاحبه ساده، مانیفست عدم پاسخگویی در فوتبال ایران بود. او در این مصاحبه ثابت کرد که هیچ چیز تغییر نکرده است: نه ادبیات، نه نگاه به منتقدان و نه روش‌های توجیه شکست. استفاده از برای از مفاهیم ارتزکی، پنهان شدن پشت نام مردم و مقصد دانستن زمین و زمان، دیگر برای جامعه آگاه امروز کار کردی ندارد. مردم ایران فوتبال را می‌فهمند. آن‌ها تفاوت میان یک تیم با شخصیت و برنامه‌محور را با تیمی که اسیر اتفاقات استرس‌های پیش‌اپه افتاده می‌شود، به خوبی درک می‌کنند. تا زمانی که سرمربی تیم ملی، شجاعت ایستادن در برابر دوربین‌ها و گفتن این جمله ساده را نداشته باشد که «هن و کادرم در مباحث فنی مقصر بودیم»، هیچ امیدی به پیشرفت نخواهد بود. فوتبال در زمین چمن بازی می‌شود، نه در نشست‌های خبری و با لفاظی‌های کینه‌توزانه. جام جهانی برای ما تمام‌شد، اما افشوس که درس‌های آن هرگز آموخته‌نشد.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

در شب خاموشی پادشاه؛ پایان حماسه ۲۰۲۶ در نیوجرسی

رستاخیز ماتادورها

آر یا طاری

دنیا ی فوتبال بار دیگر به نقطه جوش خود رسید؛ جایی که عقربه‌های ساعت در روز شگاه لبریز از تماشاگر نیوجرسی، پایان یک دوران و آغاز یک امپراتوری جدید را فریاد زدند. فینال جام جهانی ۲۰۲۶، تقابل رویاها، حسرت‌ها، جوانی و تجربه بود. شبی که اسپانیا، با طراوت و بی‌رحمی بی‌نظیر خود، تاج و تخت را از آرژانتین، قهرمان دوره گذشته، ربود و با شایستگی تمام، برای دومین بار بر بام جهان ایستاد. این تنها یک مسابقه فوتبال نبود؛ یک تراژدی برای آلبی سلسته و یک سمفونی بی‌نقص برای لاروخا بود. شبی که تیم لوئیس دلافونته، با تلفیقی از جادوی جوانان خردسال (!) و پختگی رهبران میانه‌سال، گلولی مدافع عنوان قهرمانی را فشر د و اجازه نداد حتی یک نفس راحت در طول ۹۰ دقیقه بکشد.

فصل اول:

سکوتی که آسمان نیوجرسی را فرا گرفت

برخی بازی‌ها در تاریخ نوشته می‌شوند، اما فینال ۲۰۲۶ با خون، عرق و جنون تاکتیکی روی چمن سبز حک شد. سوت پایان که به صدا درآمد، تصویر متضاد لنز دوربین‌ها را تسخیر کرد؛ در یک سو، لیونل مسی ۳۹ساله با نگاهی خیره به باق، در میانه‌های زمین ایستاده و خسته، مغمو و شادید در حال مرور تمام خاطراتی که در جام‌های جهانی ساخته بود. در سویی دیگر، لامینه یامال و پائو کوبارسی، نو جوانان ۱۹ساله‌ای که در سنین جوانی هم قله اروپا و هم قله جهان را فتح کرده بودند، در آغوش هم اشک شوق می‌ریختند. آرژانتین آمده بود تا از معجزه لو سوبیل دفاع کند، تا نشان دهد قهرمانی ۲۰۲۲ یک اتفاق نبوده است. اما اسپانیا، تیمی که ۲سال پیش در یورو ۲۰۲۴ اروپا را به تسخیر خود در آورده بود، با برنامه‌ای بی‌نقص با به میدان گذاشت. ماتادورها در این تورنمنت تنها یک گل دریافت کرده بودند و این رکورد تاریخی، نشان از دواوری پتئی داشت که حتی نبوغ مسی هم نتوانست در آن رخنه‌ای ایجاد کند.

فصل دوم:

۹۰ دقیقه حبس در قفس تیکی تاکای مدرن بازی که آغاز شد، تماشاگران منتظر یک نبرد پای‌پاسی بودند، اما آنچه در میدان رخ داد، یک طرفه‌ترین فینال تاریخ جام جهانی از حیث آمار و تسلط بر توپ بود. اسپانیا با ۶۵ درصد مالکیت توپ و ثبت ۷۶۲ پاس، نبض بازی را در دست گرفت. رودری، ژنرال خط میانی اسپانیا، با ثبت ۱۰۱ پاس صحیح، میانه میدان را به کلاس درس تبدیل کرده بود. آرژانتین، تیمی که همیشه به حملات آتشین و خلاقیت مهاجمانش می‌بالید، در این بازی مجبور به عقب‌نشینی و دفاع مطلق شد. آمار به طرز بی‌رحمانه‌ای حقیقت را فریاد می‌زد؛ صفر شوت برای آرژانتین در ۹۰ دقیقه قانونی. این اتفاق در تاریخ فینال‌های جام جهانی، بی‌سابقه بود.

اتفاق روز

مرثیه‌ای برای آخرین رقص مسی در جام جهانی

اشک‌های پادشاه

نگار رشیدی

قطر‌های اشکی که در شب گرم و شرجی نیوجرسی بر گونه‌های لیونل مسی لغزید، تنها ترکیب ساد‌های از آب و نمک نبود؛ آن اشک‌ها، عصاره بیش از دو دهه جادو، رنج، افتخار و جنون در مستطیل سبز بود. وقتی سوت پایان فینال جام جهانی ۲۰۲۶ به صدا درآمد و اسپانیا جوان و بی‌رحم، تاج پادشاهی را از چنگ آلبی سلسته بیرون کشید، لنز تمام دوربین‌های جهان نه به سوی فاتحان در حال پایکوبی، بلکه به سمت بازنده‌ای چرخید که تاریخ فوتبال را به پیش و پس از خود تقسیم کرده‌است.

مسی ۳۹ساله در میانه میدان ایستاده بود؛ تنها، خسته و یا شانه‌هایی که دیگر توان تحمل بار سنگین رویاهای یک ملت را نداشت. تصویر گریه‌های او، دلخراش اما به شکلی غریب، باشکوه بود. این اشک‌ها، اشک‌های یک تازه‌کار نبود که در حسرت از دست دادن اولین جام خود می‌سوزد؛ این حافظات پایانی فصلی از یک حماسه بلند بود. برای درک عمق این لحظه، باید تمام صفحات زندگی او را با دقت ورق زد و روایت این مسیر طولانی را مرور کرد؛ از خیابان‌های خاکی و پر از امید روساریو تا شب‌های مسحور کننده نیو کمپ، از کابوس‌های بی‌پایان ماراکانا تا معجزه شکوهمند لو سوبیل در ۲۰۲۲. زندگی او همیشه مانند یک بیوگرافی حماسی و بی‌نقص نوشته شده است و حالا، در آخرین صفحات این کتاب قطور، سر نوشت تصمیم گرفت پایانی واقع‌گر ایا نه، انسانی و آمیخته با اندوه برای قهرمان دانستنش رقم بزند. اما آیا این شکست، نقطه‌ای تاریک در کارنامه اوست؟ پاسخ تاریخ، یک «نه» قاطعانه است.

فراتر از قفس تنگ جام‌ها و مدال‌ها

اگر تا پیش از جام جهانی قطر، منتقدانش جای خالی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: tosee_irani@tosee.ir
اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۲۳۰ / سه شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵ / ۶ صفر ۱۴۴۸ / ۲۱ جولای ۲۰۲۶



دروازه‌انای سیمون نزده بود، در دقایق پایانی سراپا حمله شد. اولین ششوت آرژانتین در دقیقه ۱۱۷ توسط لیونل مسی شلیک شد، وای‌کلی سرکش که با بر خورد به صورت میکمل مرینو بلو که شد. دقایقی بعد، جدی‌ترین و آخرین موقعیت آلبی سلسته روی دروازه خلق شد! اما ضربه سیمونه با بی‌دقتی به بالای دروازه رفت تا آخرین امیدهای کشتانند بازی به ضرات پنالتی بر باد رود. سوت پایان مسابقه، نقطه پایانی بر داستان دراماتیک این فینال بود. آرژانتین برای چهارمین بار در فینال جام جهانی شکست خورد تا در کنار آلمان، رکورددار بیشترین ناگامی در گام آخر باشد.

فصل ششم:

نسلی که تاریخ را باز نویسی کرد

قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶، تنها یک پیروزی تیمی نبود؛ بلکه اثبات حقایقت یک فلسفه و یک نسل بود. لوئیس دلافونته با شجاعت تمام، به جوانانی اعتماد کرد که بسیاری آن‌ها را برای میدان‌های بزرگ خام می‌دانستند. لامینه یامال (۱۹ ساله)، او حار ز کوردی جاودانه دار. اولین

فصل پنجم:

تقلای پادشاه در آخرین دقایق

آرژانتین ۱۰ نفره، چیزی برای از دست دادن نداشت. تیمی که ۱۱۷ دقیقه هیچ شوتی به سمت

معمار بی ادعای امپراتوری سرخ

در دنیای امروز فوتبال، جایی که مربیان بزرگ بیشتر شبیه به ستار‌های پاپ، اسیر چنجال‌های رسانه‌ای و شوهایی تبلیغاتی هستند، لوئیس دلافونته با متانتی کم‌نظیر و لبخندی آرام، درس بزرگی به فوتبال جهان داد.

پیرمرد بی ادعای نیمکت لاروخا، بدون هیاهو و چنجال، شاهکاری خلق کرد که تاریخ فوتبال تا ابد از او به عنوان یکی از مقتدرانه‌ترین دوران‌های یک تیم ملی یاد خواهد کرد. فتح متوالی یورو ۲۰۲۴ و جام جهانی ۲۰۲۶، یادآندی عادلانه برای شجاعت، نبوغ تاکتیکی و ایمان قلبی او به نسل جدید فوتبال اسپانیا بود.

بزرگ‌ترین هنر دلافونته، نه فقط چینش مهره‌اوری تخته تاکتیک، بلکه شجاعت بی‌رحمانه در اعتماد به جوانی بود. در روزگاری که مربیان بزرگ برای حفظ سندیلی خود به تجربه‌های کهنه کاران پنباه می‌برند، او فرمان هدایت تیمش را در بزرگ‌ترین صحنه جهان به دست نوجوانانی چون لامینه یامال و پائو کوبارسی سپرد.

او که سال‌ها در ده‌های پایه اسپانیا کار کرده بود، این جواهرات خام را بهتر از هر کسی می‌شناخت. نتیجه این اعتماد، تیمی شد که در ۸باری جام جهانی تنها یک گل دریافت کرد؛ یک شاهکار دفاعی سلب‌شدنی و ثبت رکوردی تاریخی که نبوغ ساختار گرای او را اثبات کرد. دلافونته تیکی تاکای مالل آور و عقیم گذشته اسپانیا را به یک اسلحه مدرن، عمودی و کشنده تبدیل کرد.

تیم او هم مالکیت توپ را در اختیار داشت و هم با سرعت سرسام‌آور بال‌هایش، حریفان را مجازات می‌کرد. او در فینال نیوجرسی، با آنالیز دقیق خود، قهرمان جهان را در قفس تاکتیک‌اش حبس کرد و اجازه نداد آرژانتین حتی یک شوت در ۹۰ دقیقه قانونی به سمت دروازه شلیک کند. زمانی که فران تورس، تعویض طلایی او در وقت‌های اضافه، گل قهرمانی را به ثمر رساند، دلافونته مرد اول این حماسه نام گرفت.

او حالا در تالار افتخارات فوتبال، کنار دست افسان‌های چون ویسنته دل بوسکه ایستاده است. لوئیس دلافونته ثابت کرد که برای فتح جهان، نیازی به فریادها و بلند کنار زمین و نمایش‌های هالیوودی نیست؛ گاهی با آرامش، نگاهی پدرانه و دانشی عمیق هم می‌توان جهان را تسخیر کرد.

«ولا لولگا» دیگر نمی‌توانست فرمان‌های ذهنی را که هنوز در اوج جوانی و خلاقیت بود، با همان سرعت و انفجار سابق اجرا کند. آرژانتین خسته، در محاصره تیکی تاکای مدرن، پر فشار و خفه کننده اسپانیا گیر افتاده بود.

۱۰ نفره شدن تیم با اخراج انزو فرناندس و فشار وحشتناک مسابقه در وقت‌های اضافه، رمق آلبی سلسته را کاملاً کشیده بود. با این حال، حتی در تاریک‌ترین و ناامید کننده‌ترین دقایق بازی، تنها با رقه امید در ساق‌های خسته پادشاه جستجو می‌شد. اولین و تنها ششوت آرژانتین در کل مسابقه، در دقیقه ۱۱۷ از پای او شلیک شد؛ یک وای‌کلی سرکش که می‌رفت تا بار دیگر معجزه‌ای خلق کند و ورزشگاه را منفجر سازد، اما با برخورد به صورت میکمل مرینو بلو که شد. آن لحظه، نمادی از ایستادگی آخرین سنگر فوتبال کلاسیک در برابر ماشین بی‌رحم و سیستماتیک فوتبال مدرن بود.

مسی در آن دقایق پایانی، تمام توان باقیمانده در جانش را در پاهایش جمع کرد تا سر نوشت را تغییر دهد، اما واقعیت این است که فوتبال، همیشه آن‌طور که ما آرزو داریم پیش نمی‌رود. خستگی عضلات، ضربات پیاپی مدافعان جوان و دوندگی بی‌امان در ۱۲۰ دقیقه، سرانجام اسطوره را تسلیم کرد.

اشک‌هایی که تاریخ را تطهیر کرد

اشک‌های مسی پس از سوت پایان، مرثیه‌ای بر پایان یک دوران طلایی بود. او گریه می‌کرد، نه فقط به خاطر از دست دادن جام، بلکه شاید به دلیل که در اعماق وجودش می‌دانست این آخرین بازی است که در این اوردها بزرگ جهانی قدم می‌گذارد. او می‌دانست که دیگر صدای غرش تماشاگران را در ک فینال جام جهانی نخواهد شنید و رقص او با توپ در بزرگ‌ترین صحنه فوتبال، به پرده آخر رسیده است. این آگاهی دل‌دناک از پایان یک مسیر طولانی، قلب هر عاشق فوتبالی را به در در آورد. با این حال، در دل این آندوه غلیظ، یک حقیقت درخشان و ابدی نهفته است؛ شکست در فینال ۲۰۲۶، حتی یک قطره از دریای اسطوره بودن او کم نمی‌کند.

تاریخ فوتبال مدرن با قلمی نوشته شده است که جوهر آن مستقیماً از نبوغ لیونل مسی وام گرفته‌است. نسل‌های آینده، کتاب تاریخ این ورزش را با خواهند کرد و داستان بازیکنی را خواهند خواند که توپ، گویی عضوی از بدن او بوده؛ بازیکنی که باقامتی کوتاه، بلندترین قله‌های افتخار را فتح کرد و در اوج فشار، زیباترین و خالص‌ترین لیخندها را بر لبان میلیون‌ها انسان نشاناند.

مسی، حتی در میان اشک‌های تلخ شکست و در قامت یک نایب‌قهرمان مغمو، همچنان خدایگان بی‌رقیب فوتبال است. او به جام ۲۰۲۶ نرسید، اما قلب تاریخ را برای همیشه تسخیر کرده است. روزی فرا خواهد رسید که فوتبال بدون او به راهش ادامه می‌دهد، سوت‌ها زده می‌شوند، ستاره‌های جدیدی متولد می‌شوند و جام‌های دیگری بالای سمری‌ها و مدال‌ها هیچ کس، هرگز نخواهد توانست جای خالی جادوی پسرک محبوب روساریو را پر کند.

اشک‌های او در نیوجرسی، نقطه پایان زیباترین و کامل‌ترین داستانی بود که فوتبال تا به حال به خود دیده است؛ داستانی که قهرمانش با تمام وجود آن را زیست و با افتخار، صفحه آخرش را بست. فوتبال، تابدا و مادر او زیر سایه نام جاودانه‌اش باقی خواهد ماند.